

پس لرزه‌های اسلام‌آباد

حجت‌الاسلام نبویان نائب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی که در مذاکرات اسلام‌آباد نیز حضور داشته در گفتگوی تلویزیونی در شبکه خبر، ادعاهایی درباره مخالفت‌های صریح رهبر معظم انقلاب با برخی روندهای مذاکره اسلام‌آباد را بیان کرد. البته شبکه خبر در این رابطه با صدور اطلاعیه‌ای از برخورد‌های انضباطی لازم به دلیل بی‌توجهی به الزامات برنامه‌های زنده و سهل‌انگاری در مدیریت حرفه‌ای خبر داد.

۲



چک‌بی محل تفاهم

تعلیق تحریم‌های نفتی، آزادسازی دارایی‌ها و توقف جنگ لبنان؛ سه بند تفاهم که در روز اول نقض شدند. همزمان با نقض چند بند از تفاهم نامه ۱۴ بندی اسلام‌آباد، تیم مذاکره‌کننده ایرانی در عالی‌ترین سطح عازم سوییس شدند. ۷



دولتمردان قدرت ایران پسا جنگ را درک نکرده‌اند ۳

صفحه ۶

بین‌الملل

هزینه ۱۳۲ میلیارد دلاری جنگ علیه ایران برای مالیات‌دهندگان آمریکایی

تکرار منطق برجام؛ باج‌بده تانزنند!

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

برجام فقط یک توافق هسته‌ای نبود؛ یک مکتب فکری بود. مکتبی که بر این گزاره استوار شده بود که اگر جمهوری اسلامی بخشی از حقوق، توانمندی‌ها و دستاوردهای خود را واگذار کند، طرف آمریکایی نیز دست از فشار برمی‌دارد و مسیر عادی‌سازی روابط هموار می‌شود. آن روز نام این نسخه را «تعامل سازنده»، «عقلانیت» و «برد-برد» گذاشتند؛ اما حاصل کار، نه رفع تحریم‌ها بود و نه پایان خصومت آمریکا. امروز با مرور بندهای منتشرشده از تفاهم جدید میان ایران و آمریکا، به دشواری می‌توان انکار کرد که همان منطق در قالبی تازه بازگشته است.

متن کامل در صفحه ۶

صفحه ۵

اقتصادی

اسب سرکش جاده مخصوص

تنها ۱۵ ماه پس از آنکه دولت چهاردهم، مدیریت ایران خودرو را به کروز واگذار کرد، محصولات بزرگ‌ترین خودروساز کشور که قرار بود با مدیریت بخش خصوصی ارزان‌تر و با کیفیت‌تر شوند، اکنون به‌طور متوسط با مدیریت جدید ۱۷۰ درصد گران‌تر شده‌اند.

صفحه ۴

اقتصادی

نرخ سود در دوراهی تورم و تولید

معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی، هفته‌گذشته از آغاز فرایند بازبینی ساختار نرخ سود در اقتصاد خبر داد و گفت: این بازبینی به معنای افزایش یکسان همه نرخ‌ها نیست، بلکه هدف، تفکیک نرخ‌ها بر اساس نوع سپرده، ریسک، مدت سرمایه‌گذاری و ماهیت تأمین مالی است.

نبویان نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، جزئیاتی تایید نشده از تذکرات رهبر انقلاب به هیات مذاکره کننده را بیان کرد

پس لرزه های اسلام آباد

انقلاب با برخی روندهای مذاکره اسلام آباد را بیان کرد. البته شبکه خبر در این رابطه با صدور اطلاعاتی از برخوردهای انضباطی لازم به دلیل بی توجهی به الزامات برنامه های زنده و سهل انگاری در مدیریت حرفه ای خبر داد.

حجت الاسلام نبویان نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی که در مذاکرات اسلام آباد نیز حضور داشته در گفتگوی تلویزیونی در شبکه خبر، ادعاهایی درباره مخالفت های صریح رهبر معظم



تنگه هرمز از جمله این شروط بود. ایشان همچنین در آن مقطع فرمودند «اخذ عوارض در تنگه هرمز باید از همین الان شروع شود.» حجت الاسلام نبویان در ادامه خاطرنشان کرد: بعد از انجام مذاکرات اسلام آباد گزارشی خدمت رهبر انقلاب ارائه شد. ایشان ذیل این گزارش، دو صفحه متن نوشتند و صریحاً عدم رضایت خودشان را ابراز داشتند. ایشان همچنین انتقاد کردند بابت عدم رعایت شروط. آقا فرمود برای مذاکره و توافق نه عجله داریم و نه اجبار. ایشان تاکید داشتند مذاکره باید برای پایان جنگ و اخذ غرامت می بود نه موضوع هسته ای. این عین متن رهبر انقلاب است: آنچه رقم خورده است (در مذاکرات پاکستان) با آنچه قرار بود بشود و شرط مشروعیت مذاکرات بوده است تفاوت کلی دارد.

وی افزود: پس از این مقطع اعضای شعام سائلی را مطرح می کنند و در پاسخ در تاریخ ۴ اردیبهشت رهبر معظم انقلاب مجدداً نظر خود را می فرمایند و باز تاکید دارند: در موضوع هسته ای یا باید به پیروزی برسیم و دشمن حق غنی سازی ما را به رسمیت بشناسد یا این موضوع برای همیشه از دستور کار مذاکرات خارج شود. با این فرمایش، رهبر انقلاب عملاً سه بار موضوع صریح خود را بیان فرمودند. رهبر انقلاب همچنین بر انحصار مدیریت ایران بر تنگه هرمز و پرداخت غرامت تاکید داشتند.

ساحات بود. نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه آمریکا نیاز به مذاکره و آتش بس داشت، تصریح کرد: آمریکا با این اقدام تلاش داشت قیمت نفت را پایین بیاورد که متأسفانه موفق شد و همچنین از انتخابات میان دوره ای هم عبور کند. وی افزود: اینکه حضرت آقا فرمودند بنده علی الاصول نظر دیگری داشتم باید در خصوص آن کمی توضیح دهم. من معمولاً سعی میکنم با سند حرف بزنم. وقتی آمریکا طرح ۱۵ ماده ای خودش را با التماس از طریق پاکستان ارائه داد، توسط ایران رد شد. از این طرف یک طرح ۱۷ ماده ای خدمت رهبری ارائه شد. رهبر انقلاب ذیل آن سه صفحه توضیح نوشتند. این موضوع برای تاریخ ۱۵ فروردین است در حالی که مذاکره اسلام آباد ۲۲ و ۲۳ فروردین است؛ یعنی نکات رهبر انقلاب قبل از آغاز مذاکره است. ایشان در آن متن می فرمایند: بنده با انجام مذاکرات بر اساس شرایط زیر مخالفتی ندارم. آنجا ۱۱ شرط مطرح شده از جمله اینکه موضوع هسته ای از دایره مذاکره باشد چرا که هسته ای حق مسلم ما است. رهبر انقلاب با این تصمیم دقیق دست گذاشتند بر روی مهمترین هدف ترامپ در مذاکرات. موضوع پرداخت غرامت، آزاد کردن اموال مسدود شده، رفع تحریم ها و اعمال حاکمیت در

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

حجت الاسلام نبویان درباره پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب پیرامون تفاهم نامه اسلام آباد اظهار داشت: رهبر انقلاب تصریح داشتند که این تفاهم بین دو رئیس جمهور است نه دو کشور ایران و آمریکا. ملت ایران مفهوم این تعبیر را می داند. همچنین رهبری تصریح داشتند که مسئولان یا دلسوزی کار کردند. این ایامی که نکات انتقادی مطرح می شد، من تاکید داشتم که دو نوع رویکرد هست: یکی اینکه بگوییم همه خائن اند که درست نیست. رویکرد دیگر و صحیح این است که بدانیم همه مسئولان دلسوزند اما ممکن است به شیوه عملکرد آنها ایراد و انتقام داشته باشیم.

وی افزود: نکته دیگر این است که آمریکا نیازمند مذاکره بوده. چرا که آمریکا اهدافی که از جنگ ۴۰ روزه داشت مدعی بود که سه روزه کار تمام است! حتی روز اول که رهبر شهید انقلاب را ترور کردند، آمریکایی ها عصر روز شنبه نهم اسفند از طریق یک کشور اروپایی به ایران پیام دادند که بیا بید و مثل ونزوئلا تسلیم شوید! در واقع تمامی اهداف آمریکا در این جنگ ناکام ماند و در مقابل دستاوردهای ایران از این جنگ بسیار مهم و راهبردی است. یکی از آنها به دست آوردن مدیریت تنگه هرمز و دیگری وحدت

خبر کوتاه

مطالبه عضو هیات رئیسه مجلس از شعام

روح اله متفکر آزاد نماینده تبریز، آذرشهر و اسکو در شبکه اجتماعی خود نوشت: «سگ هار صهیونی در همین روز اول، در حال نقض فاحش تفاهم نامه در لبنان است. مطالبه ما از شعام مشخص است، اگر می خواهید جلوی نقض دیگر بنده های تفاهم را هم بگیرید، همین الان با پاسخ نظامی، موازنه را برقرار کنید.»

ادامه تلاش های هیات رئیسه برای تشکیل جلسات رسمی!

سمیه رفیعی عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: لزوم تشکیل جلسات رسمی مجلس برای بررسی مستمر روند اجرای تفاهم نامه و ارزیابی عملکرد دستگاه های مسئول، از موضوعات مهمی است که هیات رئیسه مجلس در تلاش برای عملیاتی کردن آن است. مجلس نمی تواند نسبت به روند اجرا صرفاً نظاره گر باشد، بلکه باید با بررسی های مستمر، نقش قانونی و نظارتی خود را به صورت فعال ایفا کند.

مجلس این هفته هم تعطیلی است!

حجت الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس در کانال شخصی خود نوشت: مردم باید از هیات رئیسه فعلی و قبلی مجلس سؤال کنند بر اساس کدام مستند قانونی در این مدت دهان نمایندگان را بستند؟ چرا پس از آتش بس و حتی پس از امضای تفاهم نامه با شیطان و قاتل نائب امام زمان، همچنان مجلس تعطیل است؟ چرا این هفته هم جلسه نیست؟ چرا هنوز تصمیمی برای شروع جلسات اعلام نمی شود؟!

خضریان: برجام یک پروژه خطرناک بود

علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت: ما در دوران جهان پسا برجام به سر می بریم. در این جهان پسا برجام، مردم ما هم نقض برجام را تجربه کردند و هم دو جنگ نظامی را پشت سر گذاشتند. برجامی که حتی حمله نظامی دشمن هم مکانیزم ماشه آن را بی اعتبار و تعهدات ما را منتفی نکرد، نشان می دهد چقدر پروژه ناکافی و خطرناکی است. وی افزود: امروز با نگاه به تجربه برجام باید در مذاکرات پیش برویم و با این تجربه با آمریکایی ها طرف هستیم. و دست رهبر معظم انقلاب به دلیل آگاهی مردم از تجربه برجام خیلی بیشتر از امام شهیدمان باز است و صریح تر با مردم گفتگو خواهند کرد.

ذوالنوری: هیات مذاکره کننده کوتاهی و غفلت کرد

حجت الاسلام مجتبی ذوالنوری در واکنش به تداوم حملات رژیم صهیونیستی به لبنان با وجود یکی از بندهای یادداشت تفاهم میان ایران و آمریکا بر توقف این حملات، اظهار کرد: من معتقدم که مذاکره کنندگان ما در این زمینه یا کوتاهی یا غفلت داشتند. باید یک بندی در این یادداشت تفاهم می گنجاندند که نقض هر کدام از موارد توافق، به معنای نقض همه موارد باشد؛ یعنی یا همه چیز یا هیچ چیز. این نکته باید مورد توجه قرار می گرفت. حالا که این بند گنجانده نشده، ضروری است که در مذاکرات آتی و در تدوین متن توافق احتمالی، حتماً این موضوع را مدنظر قرار دهند. وی افزود: در یکی از بندهای این یادداشت تفاهم، تصریح و تأکید شده است که باید حملات به لبنان متوقف شود. اگر دشمن این بند را نقض کند و ما تسامح داشته باشیم، این تسامح می تواند منجر به نقض های بیشتری از سوی دشمن شود. اما اگر صلابت، جدیت و حساسیت ما را ببیند، به سایر مفاد نیز پایبند خواهد بود.

انتخابات

دولت: برای برگزاری انتخابات شوراها آماده ایم

علی زینی وند سخنگوی وزارت کشور در نشست خبری در مورد آخرین وضعیت برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا عنوان کرد: مقرر شده است دو ماه پس از پایان رسمی جنگ، انتخابات برگزار شود. از آنجا که بخش عمده فرآیندهای اجرایی انتخابات پیش از این انجام شده، وزارت کشور، هیئت های اجرایی، هیئت های نظارت، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، استانداری ها و فرمانداری ها از آمادگی لازم برای برگزاری انتخابات برخوردار هستند.

وی ادامه داد: در صورت نهایی شدن توافقات و امضای رسمی آن در روزهای آینده، این امکان وجود دارد که در بازه زمانی ۶۰ روزه تعیین شده، انتخابات برگزار شود. به مردم اطمینان می دهیم که در نخستین فرصت ممکن و پس از ابلاغ تقویم جدید انتخابات، همه دستگاه های قانونی و باشکوه اقدام خواهند کرد تا دوره جدید شوراهای اسلامی شهر و روستا فعالیت خود را آغاز کند.

وی درباره امکان تجمیع انتخابات نیز گفت: انتخابات مجلس شورای اسلامی ما اواخر سال ۱۴۰۶ و انتخابات ریاست جمهوری اوایل سال ۱۴۰۷ برگزار می شود. تلاش می کنیم تا سازوکارهای قانونی آن را فراهم کنیم و موانع قانونی را برطرف کنیم تا امکان تجمیع انتخابات مجلس با ریاست جمهوری وجود داشته باشد. البته این موانع قانونی باید رفع شوند، اما بنا داریم انتخابات شوراها را ان شاء الله در همین سال برگزار کنیم تا تداخلی با انتخابات مجلس شورای اسلامی نداشته باشد.



خبر کوتاه

هماهنگی برای برگزاری باشکوه آیین تشییع قائد امت

جلسه شورای فرهنگ عمومی استان تهران به میزبانی استانداری تهران و با حضور حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی فردا امام جمعه موقت تهران و رئیس شورای فرهنگ عمومی استان، محمدصادق معتمدیان استاندار تهران و نایب رئیس شورا، سیدعلی یزدیخواه رئیس مجمع نمایندگان استان تهران، سید جمال الدین دین پرور رئیس بنیاد بین المللی نهج البلاغه، عبدالرضا علی پناه جانشین مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران و جمعی از اعضای شورا در سالن جلسات استانداری تهران برگزار شد. اعضای حاضر در این جلسه بر ضرورت بسیج تمامی ظرفیت های دستگاه های اجرایی، فرهنگی و خدماتی برای رفاه، امنیت و تسهیل حضور مردم در آیین تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی تأکید کردند و خواستار هماهنگی گسترده میان نهادهای مسئول برای برگزاری هرچه باشکوه تر این مراسم شدند.

سپاه: شناورها به تنگه هرمز نزدیک نشوند

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای اعلام کرد: تنگه هرمز بسته است و شناورها به تنگه هرمز نزدیک نشوند؛ در غیر این صورت امنیت آنها به مخاطره خواهد افتاد. متن اطلاعیه روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شرح زیر است: با توجه به جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان و نقض تعهدات آمریکا در برقراری آتش بس، تنگه هرمز بر روی همه شناورها بسته می باشد. تأکید می گردد تنگه هرمز بسته است و شناورها به تنگه هرمز نزدیک نشوند؛ در غیر این صورت امنیت آنها به مخاطره خواهد افتاد.

سازمان بسیج: سیاستمداران ذره ای از حقوق ملت ایران عقب ننشینند

سازمان بسیج مستضعفین در مورد پیام تاریخی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا طی بیانیه ای تأکید کرد: این تجربه تاریخی چندین دهه ملت ماست که هر جاقدر ولایت را دانستیم و فرامین و منویات او را جامه عمل پوشانده ایم به پیشرفت، پیروزی و موفقیت رسیدیم. انتظار همه ملت این است که تجربه ای که منشا همه پیروزی ها بوده است، در عرصه دیپلماسی امتداد یابد و سیاستمداران ما نیز با نصب العین قرار دادن پیام مقام معظم رهبری دستاوردهای بزرگ بعثت مردم و مقاومت بی نظیر رزمندگان را نقل کنند و ذره ای از حقوق ملت ایران عقب ننشینند. پشت مسئولین ما به حضور بسیجیان فداکار و جانفداها در همه عرصه ها گرم است و از هیچ کمکی برای پیشبرد امور کشور و موفقیت ها و پیروزی ها دریغ نخواهند کرد و انتظار دارند صلابت رزمندگان در این عرصه تکرار شود و در مذاکرات شاهد تحقق وعده های داده شده به رهبر بزرگوارمان باشیم.

رفتار عجیب معاون پزشکیان با شهروندان ایلامی

در جریان سفر معاون اجرایی رئیس جمهور و برخی مسئولان، یکی از کارکنان فراجا با کمال احترام درخواست خود را مطرح کرد، اما با برخوردی همراه با تمسخر از سوی معاون رئیس جمهور مواجه شد. در موردی دیگر، دو کارگر زحمتکش ایلامی حتی فرصت بیان خواسته های خود را پیدا نکردند و صدایشان شنیده نشد. این نوع برخورد ها و نگاه از موضع بالا به مردم، تصویری نامطلوب از مدیریت و تکریم شهروندان بر جای گذاشت؛ تصویری که بی تردید در ذهن افکار عمومی استان باقی خواهد ماند.

نجفی: دولتمردان قدرت ایران پسا جنگ را درک نکرده اند

گفت‌وگو

دکتر موسی نجفی استاد علوم سیاسی طی یادداشتی درباره پیام راهبردی اخیر رهبر معظم انقلاب نوشت: از مشابوهت های مهم عاشورای ۶۱ با جنگ رمضان ۱۴۰۴ ایران نقطه عطف بودن هر یک و برهم خوردن آرایش و وزن اشخاص و جریانهای سیاسی است؛ یکی از این دست آوردها، نقد و نفی کامل رویا فروشی تعامل و همزیستی مسالمت آمیز و صلح جویانه با غرب است. ایران قدرتمند بیرون آمده از جنگ رمضان و با خروج کامل و عملیاتی شده از نظریه استعماری مرکز-پیرامون و قرار گرفتن در جایگاه برتر



فارس افزاز شکست آمریکا می گوید و نیویورک تایمز به تمسخر ترامپ می پردازد؛ حق با ترامپ بود؛ جنگ با تسلیم تمام شد!

روایت آمریکایی از پیروزی میدان

روز پنجشنبه انتشار مقاله ای با عنوان «ایران جنگ را برد، اما ممکن است صلح را ببازد» در نشریه «فارن افرز» توجه بسیاری از دنبال کنندگان حوزه سیاست خارجی را در ایران جلب کرد. این مقاله را نمی توان صرفاً یک یادداشت تحلیلی درباره تحولات پس از جنگ دانست. این مقاله از آن دسته متونی است که پیش از آنکه برای روایت گذشته نوشته شده باشند، در پی اثرگذاری بر آینده اند؛ متنی که تلاش می کند زمین بازی را از میدان نبرد به میز مذاکره منتقل کند و قواعد مرحله جدید را بنویسد.

سعید قاسمی

روزنامه نگار

تهران نباید از این موقعیت برای تثبیت کامل دستاوردهای خود استفاده کند. او هشدار

می دهد که ایران نباید در موضوع تنگه هرمز امتیاز حداکثری مطالبه کند، نباید قواعد جدیدی برای عبور و مرور دریایی تعریف کند و نباید از موقعیت بازدارنده خود برای تغییر موازنه منطقه ای بهره ببرد؛ زیرا در این صورت، به تعبیر او، «صلح را خواهد باخت».

در اینجا، روی دیگر سیاست آمریکا آشکار می شود. وقتی نتیجه جنگ دیگر قابل تغییر نیست، تلاش برای اثرگذاری بر نحوه بهره برداری ایران از نتایج جنگ آغاز می شود. به بیان دیگر، آنچه در میدان نبرد به دست نیامده، باید در میز مذاکره جبران شود. از این منظر، پیام اصلی مقاله نه توصیف گذشته، بلکه مدیریت آینده است؛ آینده ای که آمریکا می کوشد در آن، دامنه بهره برداری ایران از دستاوردهای جنگ را محدود کند.

از همین زاویه، می توان مخاطب اصلی این مقاله را نیز تشخیص داد. این متن بیش از آنکه برای افکار عمومی آمریکا نوشته شده باشد، پیامی برای فضای نخبگانی ایران است؛ به ویژه آن بخش از نخبگان سیاسی، رسانه ای و دانشگاهی که همچنان گرایش بیشتری به الگوهای غربی دارند و بر ضرورت کاهش مقاومت ایران در مذاکرات تأکید می کنند. مضمون پیام نیز روشن است: اکنون که ایران در موقعیت برتر قرار گرفته، نباید از این برتری برای مطالبه امتیازهای حداکثری استفاده کند. این همان نقطه ای است که تحلیل از روایت صرف فراتر می رود و به تلاشی برای شکل دهی به دستگاه شناختی طرف مقابل تبدیل می شود.

همزمان، مقاله منتشرشده در نیویورک تایمز در روز شنبه به قلم نیکلاس کریستوف، قطعه دیگری از همین پازل را تکمیل می کند. کریستوف تصریح می کند که اشتباه اصلی ترامپ، پایان دادن به جنگ نبود، بلکه آغاز کردن آن بود. به اعتقاد او، کاخ سفید هیچ راهبرد خروج مؤثری در

دولت مردان و برخی سیاست وزران نشان داده اند نه مرکزیت ایران بعد جنگ رمضان را ادراک نموده اند و نه آغاز افول آمریکای بعد از لحظه هرمز را باور دارند؛ لذا در تراز رهبری و ملت قرار نخواهند داشت و با بازی های رسانه ای و حمایت های کاغذی و تبعیت های نیم بند رسمی نمی توانند ساز قبیله را کوک کرده و دوباره بنوازند.

در نتیجه می توان گفت این افراد کار به دست با این ناترازی و نامعادله پنهان در اعماق فکرشان عاجز از فهم جهش نسبت امروز ما و غرب می باشند. با این صورت مسئله می توان زمینه و افق پنهان در جمله کلیدی (بنده علی الاصول نظر دیگری داشتم) رهبری را بهتر ادراک نمود.»

Trump Was Right. The War Ended With a Surrender.

June 20, 2026



اختیار نداشت و ادامه جنگ می توانست هزینه های انسانی، اقتصادی و سیاسی بسیار سنگین تری بر آمریکا تحمیل کند. او حتی می نویسد توافق اخیر، بیش از آنکه نشانه پیروزی آمریکا باشد، محصول ناتوانی واشنگتن در ادامه جنگ است.

وقتی این دو مقاله کنار یکدیگر قرار می گیرند، تصویری معنادار شکل می گیرد. فارس افزاز می پذیرد که ایران از جنگ با موقعیتی قوی تر خارج شده، اما همچنان توصیه می کند این برتری را به امتیازهای پایدار تبدیل نکند. نیویورک تایمز نیز تصریح می کند که ادامه جنگ برای آمریکا ممکن نبود و دولت ترامپ ناچار به خروج از آن شد. حاصل جمع این دو روایت آن است که آمریکا در میدان نبرد به اهداف حداکثری خود نرسید و اکنون می کوشد بخشی از آنچه را در جنگ به دست نیاورده، در فرایند مذاکره به دست آورد.

به همین دلیل، شاید مهم ترین نبرد امروز دیگر در میدان نظامی جریان نداشته باشد، بلکه در میدان ادراک و مذاکره در حال وقوع باشد. اگر جنگ نتوانست ایران را وادار به عقب نشینی کند، اکنون تلاش خواهد شد همان هدف از طریق بازتعریف پیروزی، محدود کردن انتظارات و اثرگذاری بر محاسبات نخبگان ایرانی دنبال شود. از این منظر، مقاله فارس افزاز را می توان نه صرفاً یک تحلیل درباره پایان جنگ، بلکه بخشی از ادبیات مرحله پسا جنگ دانست؛ مرحله ای که در آن، واشنگتن می کوشد شکست در تحقق اهداف میدانی را با کسب امتیازهای بیشتر در عرصه سیاسی و مذاکراتی جبران کند. این شاید مهم ترین پیام مشترک دو مقاله ای باشد که تنها با فاصله دو روز در دو رسانه انگلزار آمریکا منتشر شده اند: آمریکا در میدان نبرد به آنچه می خواست نرسید؛ اکنون می کوشد آنچه را از راه جنگ به دست نیاورد، از مسیر مذاکره به دست آورد.

۵

عدد خبر

فارس نوشت: براساس مصوبه ۱۷ خرداد هیئت وزیران و بر اساس ماده ۱۲ قانون مربوط به منابع صندوق بهینه‌سازی و بهره‌وری انرژی تحت مدیریت اسماعیل سقاب اصفهانی، منابع مالی قابل توجهی برای اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی پیش‌بینی شده است. اگر این ماده در سال ۱۴۰۴ اجرا می‌شد، ورودی صندوق حدود ۵۰ همت بود. همچنین سالانه یک درصد از سهم دولت از درآمدهای صادرات نفت، میعانات گازی و گاز و پنج درصد سود شرکت‌های تابعه وزارتخانه‌های نفت و نیرو به صندوق اختصاص پیدا می‌کند. علاوه بر این، ۱۰ درصد از درآمد حاصل از فروش و صادرات محصولات فرعی گاز حداقل ۲۰ درصد از سهم دولت از منافع ناشی از صرفه‌جویی انرژی به منابع صندوق افزوده می‌شود.

۴۰۰

عدد خبر

داوود لپه‌چی، رئیس انجمن حبوبات کشور می‌گوید: قیمت حبوبات متناسب با تورم تغییر کرده؛ این در حالی است که لوبیا چیتی در بازار به کیلویی ۸۱۲ هزار تومان رسیده که هر دانه لوبیا حدود ۴۰۰ تومان می‌شود. بسته‌های ۸۰۰ گرمی لوبیا چیتی ۶۵۰ هزار تومان، نخود شاهی‌سوند کیلویی ۴۸۵ هزار تومان و لوبیا قرمز کیلویی ۴۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسند. ۷۰ درصد نیاز کشور از داخل و ۳۰ درصد از طریق واردات تأمین می‌شود. این در حالی است که سالانه ۳۰۰ میلیون دلار ارز (هزینه‌ای معادل کشت ۱۰۰ هزار هکتار و تولید ۲۵۰ هزار تن، معادل نیاز وارداتی) از کشور خارج می‌شود و بهای هر کیلو لوبیا چیتی از ۸۰۰ هزار تومان عبور کرده است.

۲۰۰

عدد خبر

بانک مرکزی، با توجه به درپیش بودن ایام اربعین حسینی (ع) و در راستای تسهیل شرایط عزیمت هموطنان ایرانی به عتبات عالیات در سال جاری، «دستورالعمل اجرایی تأمین و فروش ارز زیارتی اربعین حسینی (ع) در سال ۱۴۰۵» را ابلاغ کرد. براساس این دستورالعمل، برای هر متقاضی بالای پنج سال ۲۰۰ هزار دینار عراق در نظر گرفته شده است. فروش ارز اربعین توسط تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و صرافی‌های دارای مجوز معتبر انجام عملیات ارزی، از تاریخ ۲۰ تیرماه تا ۱۲ مردادماه ۱۴۰۵ انجام می‌شود. تخصیص ارز موصوف، نافی امکان خرید ارز متقاضی در سایر سرفصل‌های مجاز (نظیر ارز مسافرتی یا تأمین نیازهای ضروری) نبوده و تداخلی در دیگر سرانه‌های ارزی سنتواتی ایجاد نمی‌کند.

۳۰

عدد خبر

دبیر انجمن تولیدکنندگان مواد شوینده، آرایشی و بهداشتی گفت: در ابتدای سال افزایش قیمت محصولات این صنعت اعمال شد؛ به‌گونه‌ای که از ۱۵ اردیبهشت، قیمت پودرهای شوینده به‌طور متوسط ۲۰ درصد و مایعات شوینده حدود ۳۰ درصد افزایش یافت. حسام بیگدلو افزود: قیمت مواد اولیه پتروشیمی تأثیر مستقیمی بر هزینه‌های تولید محصولات شوینده دارد. در حالی که انتظار می‌رفت قیمت مواد اولیه، افزایش نیابد، اما هفته گذشته شاهد رشد قیمت محصولات پتروشیمی بودیم که فشار مضاعفی را به تولیدکنندگان وارد کرده است. تولیدکنندگان مواد شوینده شرایط مردم را درک می‌کنند

توبیناد سیاست جدید بانک مرکزی را بررسی کرد:

نرخ سود در دوراهی تورم و تولید

وحید ماجد، معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی، هفته گذشته با تأکید بر اینکه سیاست‌گذاری پولی به «سرکوب نرخ سود» اعتقادی ندارد، از آغاز فرایند بازبینی ساختار نرخ سود در اقتصاد خبر داد و گفت: این بازبینی به معنای افزایش یکسان همه نرخ‌ها نیست، بلکه هدف، تفکیک نرخ‌ها براساس نوع سپرده، ریسک، مدت سرمایه‌گذاری و ماهیت تأمین مالی است.



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

جهش نرخ ارز، افزایش هزینه واردات مواد اولیه، رشد هزینه انرژی، بی‌ثباتی انتظارات اقتصادی و اختلال در زنجیره تأمین شکل گرفته است. به بیان دیگر، تورم ایران بیش از آنکه تقاضا محور باشد، هزینه‌محور است. در چنین شرایطی پرسش مهم این است که افزایش نرخ سود چه اثری بر ریشه‌های اصلی تورم خواهد داشت؟ واقعیت این است که نرخ سود بالاتر نه نرخ ارز را تثبیت می‌کند، نه هزینه واردات را کاهش می‌دهد و نه مشکل نااطمینانی اقتصادی را حل می‌کند؛ بنابراین منتقدان معتقدند بانک مرکزی به جای پرداختن به منشأ اصلی تورم، در حال تمرکز بر معلول هاست.

اختصاص ۸۴ درصد تسهیلات به سرمایه در گردش

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد ایران که در تحلیل سیاست نرخ سود باید مورد توجه قرار گیرد، بانک‌محور بودن نظام تأمین مالی است. برخلاف اقتصادهای توسعه‌یافته که بازار سرمایه سهم بزرگی در تأمین مالی بنگاه‌ها دارد، در ایران بخش عمده منابع مالی بنگاه‌ها از طریق شبکه بانکی تأمین می‌شود. براساس آمارهای بانک مرکزی، در دوماه نخست امسال حدود ۸۴ درصد تسهیلات پرداختی بانک‌ها به بخش تولید (به صاحبان کسب و کار) صرف تأمین سرمایه در گردش می‌شود؛ یعنی بنگاه‌ها نه برای توسعه فعالیت، بلکه برای ادامه حیات روزمره خود به وام بانکی وابسته هستند. این موضوع نشان می‌دهد که افزایش نرخ سود تسهیلات مستقیماً بر هزینه تولید اثر می‌گذارد. وقتی کارخانه‌ای برای خرید مواد اولیه، پرداخت دستمزد، تأمین انرژی و حفظ چرخه تولید ناچار به دریافت تسهیلات بانکی است، هر واحد افزایش در نرخ سود به معنای افزایش هزینه تمام‌شده محصول خواهد بود. در چنین شرایطی تولیدکننده ناچار است این هزینه را به قیمت نهایی کالا منتقل کند؛ نتیجه چه خواهد بود؟ تورم بیشتر. این دقیقاً همان تقاضی است که بسیاری از فعالان اقتصادی درباره آن هشدار می‌دهند. بانک مرکزی افزایش نرخ سود را ابزاری برای کنترل تورم می‌داند، اما در اقتصادی که تأمین مالی تولید به شدت وابسته به بانک هاست، گران شدن پول می‌تواند خود به عامل جدید افزایش قیمت‌ها تبدیل شود. در چنین فضایی افزایش هزینه تأمین مالی می‌تواند توان رقابتی تولیدکنندگان را بیش از پیش تضعیف کند.

بانک مرکزی هرگونه تصمیم نهایی درباره افزایش نرخ سود بانکی را تکذیب کرده و تأکید دارد که موضوع همچنان در مرحله بررسی کارشناسی قرار دارد، اما مجموعه اظهارات اخیر مقامات پولی و بحث‌های مطرح‌شده نشان می‌دهد که سیاست‌گذار پولی عملاً پروژه بازنگری در ساختار نرخ سود را کلید زده است. پروژه‌ای که اگرچه هنوز به معنای افزایش قطعی نرخ سود نیست، اما نشانه‌های آن حکایت از تمایل بانک مرکزی برای نزدیک کردن نرخ‌های رسمی به واقعیت‌های بازار پول دارد. این تحول در شرایطی رخ می‌دهد که اقتصاد ایران با یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تورمی خود مواجه است؛ تورمی که برخلاف برخی روایت‌های رسمی، بخش قابل توجهی از آن نه از ناحیه رشد تقاضا، بلکه از کانال شوک‌های ارزی، افزایش هزینه‌های تولید، نااطمینانی‌های اقتصادی و جهش قیمت نهاده‌ها شکل گرفته است. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا افزایش نرخ سود بانکی می‌تواند درمان مناسبی برای بیماری تورمی اقتصاد ایران باشد یا آنکه خود به منشأ تورم‌های جدید تبدیل خواهد شد. نرخ سود بانکی طی یک دهه گذشته تغییرات محدودی را تجربه کرده و در حالی که در محدوده ۲۰ تا ۲۳ درصد باقی مانده است، تورم سالانه در بسیاری از سال‌ها از ۴۰ درصد نیز عبور کرده است. همین شکاف موجب شده برخی اقتصاددانان از «منفی بودن نرخ سود حقیقی» سخن بگویند و معتقد باشند ادامه این وضعیت موجب خروج منابع از شبکه بانکی و حرکت نقدینگی به سمت بازارهای مانند ارز، طلا، مسکن و حتی رمزارزها شده است.

اقتصاد ایران با اقتصادهای متعارف تفاوت دارد

مشکل اصلی در اینجا است که نسخه‌های کلاسیک سیاست پولی الزاماً در اقتصاد ایران همان نتایجی را به بار نمی‌آورند که در اقتصادهای توسعه‌یافته مشاهده می‌شود. در بسیاری از کشورها، افزایش نرخ بهره ابزاری برای کاهش تقاضا و کنترل تورم است، اما در ایران ساختار تورم تفاوت‌های اساسی دارد. بخش مهمی از تورم سال‌های اخیر از محل



برندگان افزایش نرخ سود چه کسانی هستند؟

افزایش نرخ سود بدون تردید برندگان مشخصی دارد. نخستین گروه، سپرده‌گذاران هستند. افرادی که منابع مالی خود را در بانک‌ها نگهداری می‌کنند، از سود بیشتری برخوردار خواهند شد. گروه دوم، بانک‌هایی هستند که برای جذب منابع با کمبود نقدینگی مواجه‌اند. افزایش نرخ سود می‌تواند بخشی از نقدینگی سرگردان را به سمت شبکه بانکی هدایت کند. همچنین سیاست‌گذار پولی امیدوار است که با افزایش جذابیت سپرده‌گذاری، بخشی از تقاضای سفته‌بازانه در بازار ارز و طلا کاهش یابد.

نبض اقتصاد

بازار سهام در فاز تعادل

بازار سهام دیروز (شنبه) را با غلبه احتیاط بر هیجان آغاز کرد؛ در معاملات روز گذشته، نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بیشترین توجه را به خود جلب کردند و جریان نقدینگی عمدتاً به سمت سهم‌های بنیادی و کم‌ریسک‌تر حرکت کرد. با این حال، فضای کلی بازار نشان می‌دهد معامله‌گران همچنان در انتظار روشن‌تر شدن شرایط و دریافت سیگنال‌های قوی‌تر برای تصمیم‌گیری‌های جدید هستند.

بازار معاملات نخستین روز هفته جاری (دیروز، ۳۰ خرداد ۱۴۰۵) را با سپری‌شده ۷۶ درصد نمادها و ۳۲۳۰ میلیارد تومان فروش آغاز کرد؛ در مقابل، ۲۸ هزار و ۸۸۲ میلیارد تومان تقاضا در تابلوی معاملات ثبت شده بود. در ادامه، فروشندگان بیشتر شدند و ۵۳ درصد نقشه‌ای منفی به ۵۸ درصد رسید. همچنین حقیقی‌ها بیش از ۳۷۰۰ میلیارد تومان پول از بازار خارج کردند. حقیقی‌ها دیروز حدود ۳۳۰۰ میلیارد تومان از بازار سهام خارج کردند که بخش عمده آن از صنایع سیمانی، چندرشته‌ای صنعتی، فلزی، معدنی، شیمیایی و بانکی رخ داد.

شاخص کل بورس تهران نیز در همان دقایق نخست به رشد ۹۰ هزار واحدی دست یافت، اما با فشار فروشندگان حدود ۸۰ هزار واحد آن را پس داد. شاخص کل در پایان معاملات دیروز با ۹ هزار و ۱۰ واحد افزایش، معادل ۰.۱۷ درصد، به ۵ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۱۰۴ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۷۰۶ واحدی (۰.۰۵ درصد) در ارتفاع یک میلیون و ۳۵۲ هزار و ۹۲۸ واحد قرار گرفت. شاخص کل فرابورس ایران نیز ۱۳۰ واحد افزایش (۰.۳۳ درصد) یافت و به ۲۹ هزار و ۸۱ واحد رسید. همچنین در پایان دادوستدها ۶۵۰۰ میلیارد تومان صف فروش (۲۴۲ صف) و ۱۷ هزار میلیارد تومان صف خرید (۲۱۵ صف خرید) در تابلوی معاملات باقی ماند. معاملات صندوق‌های طلا دیروز در محدوده صفر تابلو تا ۳ درصد و صندوق‌های نقره در محدوده یک درصد مثبت تا منفی ۳ درصد نوسان داشتند. صندوق‌های طلا روز گذشته ۱۰۰۰ میلیارد تومان و صندوق‌های نقره کمتر از ۵۰ میلیارد تومان نقدینگی خرد جذب کردند. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی و پایانی (TAL) ۴۸ هزار و ۳۷۰ میلیارد تومان ثبت شد. مجموع ارزش معاملات بورس تهران و فرابورس به حدود ۲۴۳ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس نیز در محدوده ۱۷ هزار و ۸۲۵ همت قرار گرفت. بررسی معاملات روز گذشته نشان می‌دهد بازار سهامی پس از رشد‌های پرشتاب هفته‌های گذشته وارد فاز تعادل شده است. کاهش سرعت رشد شاخص‌ها در کنار ثبت ارزش معاملات بالا، نشانه‌ای از ادامه حضور نقدینگی در بازار و جابه‌جایی سرمایه میان صنایع مختلف است.

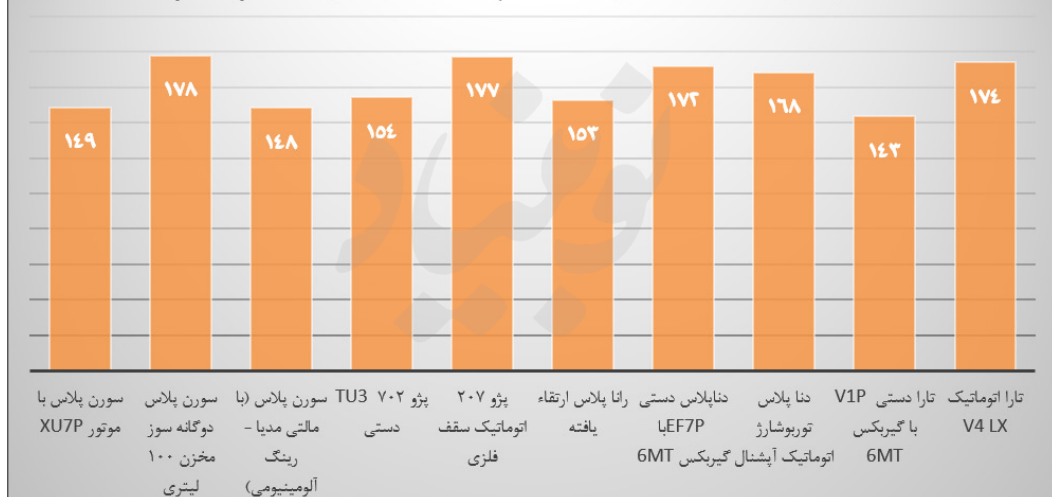
نوبید از جهش ۱۷۰ درصدی قیمت‌های ایران خودرو با مدیریت کروز گزارش می‌دهد؛

اسب سرکش جاده مخصوص

تنها ۱۵ ماه پس از آنکه دولت چهاردهم، با وجود هشدار ۱۵۰ نماینده مجلس، مدیریت ایران خودرو را به کروز واگذار کرد، بزرگ‌ترین خودروساز کشور به یکی از کانون‌های گرانی در اقتصاد ایران تبدیل شده است. محصولاتی که قرار بود با مدیریت بخش

خصوصی ارزان‌تر و با کیفیت‌تر شوند، اکنون به‌طور متوسط با مدیریت جدید ۱۷۰ درصد گران‌تر شده‌اند. البته این خودرو ساز دوباره از افزایش قیمت‌های بالاتر خبر داده است؛ گویی اسب سرکش جاده مخصوص دیگر به هشدار توجهی ندارد.

افزایش قیمت محصولات ایران خودرو پس از واگذاری به کروز (درصد)



محسوب می‌شد. اکنون، پس از گذشت بیش از یک سال، بسیاری از منتقدان معتقدند گرانی‌های مطرح‌شده بی‌دلیل نبوده است؛ زیرا نه تنها بازار خودرو رقابتی‌تر نشده، بلکه افزایش قیمت‌ها نیز شتاب بیشتری گرفته و خرید خودرو را به رؤیای تبدیل کرده است.

قیمت خودرو از تورم جلوزد یکی از مهم‌ترین نکات در ماجرای ایران خودرو و افزایش قیمت‌های متوالی، سرعت رشد قیمت خودرو نسبت به شاخص‌های اقتصادی کشور است. بررسی افزایش قیمت محصولات ایران خودرو نشان می‌دهد که رشد نرخ خودروها حتی از تورم رسمی و تورم تولیدکننده نیز پیشی گرفته است. در حالی که تورم تولیدکننده سال گذشته حدود ۵۱ درصد اعلام شده بود، برخی محصولات ایران خودرو تنها در یک مرحله افزایش قیمت خرداد ماه بین ۲۵ تا ۴۹ درصد گران شدند. به بیان ساده‌تر، خودرو در ایران دیگر صرفاً همگام با تورم حرکت نمی‌کند؛ بلکه با سرعتی بیشتر از تورم عمومی اقتصاد در حال گران شدن است. همین مسئله موجب شده بسیاری بپرسند اگر دستمزد، انرژی، مالیات و بخش عمده هزینه‌های تولید به‌صورت ریالی پرداخت می‌شود، چگونه رشد قیمت خودرو تا این اندازه از شاخص‌های کلان اقتصادی فاصله گرفته است؟

وزارت صمت: ناظر بی‌اختیار یا تماشاگر؟

ماجرای افزایش قیمت ۲۵ محصول ایران خودرو در ۲۷ خرداد ماه، نمونه‌ای آشکار از ضعف نظارتی موجود است. پس از اعلام قیمت‌های جدید، سخنگوی وزارت صمت، معدن و تجارت از وجود اختلاف میان محاسبات سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و ارقام اعلامی ایران خودرو خبر داد و وعده اصلاح قیمت‌ها را داد؛ اما فقط سه محصول با اصلاحاتی ناچیز مواجه شدند. یکی حدود ۵ درصد و دو محصول دیگر کمتر از یک درصد کاهش قیمت داشتند. در مقابل، ۲۲ محصول دیگر بدون هیچ تغییری باقی ماندند. عزت‌اللهی، سخنگوی وزارت صمت، معدن و تجارت نیز اعلام کرد که حتی ممکن است وزارت صمت با روش فعلی قیمت‌گذاری خودرو موافق نباشد، اما اختیار تغییر آن را ندارد. این اظهارات عملاً نشان می‌دهد مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذار صنعت خودرو کشور خود را در جایگاهی می‌بیند که توان اثرگذاری جدی بر روند قیمت‌گذاری را ندارد. زارعی تصریح کرد: وزارت صمت ممکن است روش‌های دیگری مانند مقایسه با خودروهای مشابه یا محاسبه

یاسر همزنگار

روزنامه‌نگار

دولت چهاردهم در بهمن ماه ۱۴۰۳، با وجود هشدارهای گسترده کارشناسان و مخالفت‌های جدی در مجلس، سکان بزرگ‌ترین خودروساز کشور را به شرکت قطعه‌سازی کروز سپرد؛ تصمیمی که حامیان آن و مدیریت کروز وعده می‌دادند به افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، ارتقای کیفیت و در نهایت کنترل قیمت خودرو منجر خواهد شد. اما امروز، تنها ۱۵ ماه پس از آن واگذاری جنجالی و پرحاشیه، آنچه در برابر افکار عمومی قرار گرفته نه کاهش قیمت است و نه افزایش کیفیت؛ بلکه جهش‌های پیاپی نرخ خودرو و فشار مضاعف بر مصرف‌کنندگان است. اگر قرار بود خصوصی‌سازی به معنای اصلاح ساختار باشد، اکنون بسیاری از مردم می‌پرسند چرا نخستین و ملموس‌ترین دستاورد آن برای خانوارها، افزایش چندباره قیمت خودرو بوده است؟

نتیجه‌ای به نام گرانی میلیاری

آمارها گویای واقعیتی تلخ هستند. از زمان واگذاری مدیریت ایران خودرو به کروز در بهمن ۱۴۰۳ تاکنون، محصولات این شرکت به‌طور متوسط حدود ۱۷۰ درصد افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند. این یعنی هر خودرو به‌طور میانگین بیش از یک میلیارد تومان گران‌تر شده است. نماد این جهش قیمتی را می‌توان در پژو ۲۰۷ اتوماتیک سقف‌شیشه‌ای مشاهده کرد؛ خودرویی که در دی ماه ۱۴۰۳ حدود ۷۰۰ میلیون تومان قیمت داشت، اما اکنون به محدوده ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان رسیده یعنی افزایش بیش از ۱۰۴ میلیارد تومان. این در حالی است که هنگام واگذاری، یکی از اصلی‌ترین استدلال‌های مدافعان این تصمیم در دولت چهاردهم، کاهش هزینه‌های تولید و جلوگیری از گرانی‌های بی‌ضابطه بود؛ اما نتیجه عملی آنچه مردم در بازار خودرو مشاهده می‌کنند، درست در نقطه مقابل آن وعده‌ها قرار دارد. نکته قابل تأمل آن است که واگذاری ایران خودرو به کروز از همان ابتدا با انتقادات گسترده مواجه بود. همان زمان حدود ۱۵۰ نماینده مجلس در نامه‌ای نسبت به تعارض منافع، انحصار و مخاطرات احتمالی این واگذاری هشدار داده بودند. با این حال، دولت مسعود پزشکیان این هشدارها را نادیده گرفت و مدیریت بزرگ‌ترین خودروساز کشور را به شرکتی سپرد که خود یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان قطعات همین مجموعه

بازار خودرو

خودروهای سایپا گروگان کروز

در محوطه‌های تولیدی سایپا این روزها صحنه‌ای متفاوت از روند معمول صنعت خودرو دیده می‌شود؛ ردیف‌های طولانی از خودروهایی که بدنه، رنگ و موتور دارند اما به دلیل نبود چند قطعه کوچک در پارکینگ کارخانه‌ها متوقف مانده‌اند. خودروهایی مانند «شاهین»، «اتلس»، «کوییک» و «سهند» که باید آماده تحویل به مشتریان باشند، اکنون به سرمایه‌هایی بلوکه‌شده تبدیل شده‌اند. تسنیم می‌نویسد: قطعاتی مانند چراغ اتلس یا نور لاستیکی دور شیشه کوییک به گلوگاه تولید بدل شده‌اند و همین موضوع نشان می‌دهد اختلال در زنجیره تأمین چگونه می‌تواند کل روند تولید را متوقف کند. در پس این وضعیت، جدالی از آمار و ارقام میان خودروساز و تأمین‌کننده شکل گرفته که در نهایت مصرف‌کننده نهایی بیشترین آسیب را از آن می‌بیند.

بررسی داده‌های مالی سال ۱۴۰۴ تصویر متفاوتی از تصور عمومی درباره علت این بحران ارائه می‌دهد. برخلاف این تصور که مشکل سایپا ناشی از ناتوانی در پرداخت مطالبات قطعه‌سازان است، آمارها روایت دیگری دارند. در سال ۱۴۰۳ شرکت قطعه‌سازی «کروز» حدود ۱۸۰۲ میلیون قطعه به سایپا تحویل داده بود، اما در سال ۱۴۰۴ این روند با افت شدید مواجه شد و با کاهش ۵۱ درصدی به حدود ۸۰۸ میلیون قطعه رسید.

این کاهش در حالی رخ داده که سایپا برای حفظ جریان تولید، پرداخت‌های خود به کروز را افزایش داده است. ارزش قطعاتی که در سال جاری تحویل داده شده حدود ۱۱۵ همت برآورد می‌شود، در حالی که مجموع پرداختی‌های سایپا به این شرکت شامل پرداخت نقدی و واگذاری‌هایی مانند املاک به حدود ۱۵۰ همت رسیده است. به این ترتیب کروز در سال ۱۴۰۴ معادل ۱۳۷ درصد ارزش قطعات تحویلی خود دریافت کرده است. این موضوع نشان می‌دهد سایپا علاوه بر پرداخت‌های سال جاری، بخشی از مطالبات گذشته را نیز تسویه کرده است؛ با این حال روند تأمین قطعات بهبود نیافته است. ریشه این وضعیت به توافقی بازمی‌گردد که در آذرماه ۱۴۰۴ برای رفع گلوگاه تولید میان دو طرف منعقد شد. طبق این توافق قرار بود سایپا حدود ۱۰ همت از مطالبات کروز را از طریق تسهیلات و واگذاری املاک پرداخت کند و در مقابل کروز نیز تأمین قطعات را به حالت عادی بازگرداند، اما این توافق به‌طور کامل اجرا نشد؛ کروز در دی‌ماه تنها حدود ۴۰ درصد تعهدات خود را انجام داد و در بهمن ماه ارسال قطعات متوقف شد. نتیجه این روند، افزایش تعداد خودروهای ناقص در کارخانه‌ها بود.

در تازه‌ترین خبرها اعلام شده دو طرف برای تکمیل خودروهای ناقص به توافق رسیده‌اند و قرار است طی دو ماه آینده خودروهای موجود در پارکینگ‌ها تکمیل و تحویل مشتریان شود. با این حال تجربه توافق‌های قبلی تردیدهایی درباره تحقق کامل این وعده ایجاد کرده است. در مجموع، بحران میان سایپا و کروز به نوعی چرخه وابستگی در تولید و نقدینگی تبدیل شده است. سایپا برای پرداخت بدهی‌ها به فروش خودرو نیاز دارد و فروش نیز بدون تأمین قطعات امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی تکمیل خودروهای ناقص و بازگرداندن آن‌ها به بازار می‌تواند تنها راه شکستن این بن‌بست تولیدی باشد.

نتیجه

خصوصی‌سازی فقط گرانی بود

علیرضا زندیان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، صراحتاً اعلام کرد که نمایندگان

مجلس در

زمان واگذاری

ایران خودرو بارها

نسبت به تبعات

این شیوه واگذاری

هشدار داده

بودند. او معتقد

است خودروسازان

به جای کاهش

هزینه‌ها و اصلاح

ساختار، ساده‌ترین

مسیر یعنی

افزایش قیمت را

انتخاب کرده‌اند.

زندیان تأکید کرد

هزینه‌هایی نظیر

دستمزد، مالیات

و انرژی افزایش

محدودی داشته،

اما خودروسازان هر

بار ارقام سنگینی

به قیمت خودروها

افزوده‌اند و نرخ ارز

را بهانه اصلی گرانی

معرفی کرده‌اند.

احمد فاطمی، عضو

کمیسیون اجتماعی

مجلس نیز افزایش

قیمت‌های اخیر

را خلاف مقررات

دانسته و هشدار

داد که برخی

خودروسازان از

شرایط انحصاری

بازار سوءاستفاده

می‌کنند. او

تأکید کرد که

مردم در بازاری

گرفتار شده‌اند

که حق انتخاب

ندارند و مجبورند

خودروهایی را

خریداری کنند

که از نظر کیفیت،

ایمنی و امکانات

فاصله معناداری

با استانداردهای

جهانی دارند.

بین الملل

یادداشت

تودهنی میدان
به نقض پیمانعلیرضا خوش نویس
روزنامه‌نگار

باز هم همان سناریوی تکراری وعده‌ای پر سر و صدا، لبخندهای دیپلماتیک، بیانییه‌های پرطمطراق و در نهایت دود و آتش بر سر مردم بی دفاع. رژیم صهیونیستی که روز گذشته مدعی پایبندی به آتش‌بس و تعهدات اعلام‌شده بود، بار دیگر پرده از واقعیت برداشت و نشان داد که برای این رژیم، هیچ امضایی ارزش ندارد و هیچ تعهدی جز زمانی معتبر نیست که با منافعتش همخوان باشد.

طبق گزارش‌های منتشرشده، حملات علیه مناطق مسکونی و روستاهای لبنان ادامه یافته و آتش جنگ نه تنها خاموش نشده، بلکه در نقاطی شدت گرفته است. این در حالی است که بند نخست تفاهم میان ایران و آمریکا بر توقف درگیری‌ها در جبهه‌های مرتبط با محور مقاومت تأکید داشت. بندی که حالا با ادامه حملات صهیونیست‌ها عملاً زیر پا گذاشته شده است. اما پاسخ به این نقض آشکار، صرفاً در میدان رسانه و بیانییه باقی نماند. در واکنش به این روند، قرارگاه خاتم‌الانبیا اعلام کرد که در پاسخ به نقض بند اول تفاهم و ادامه حملات، تنگه هرمز مجدداً بسته شده است.

واقعیت این است که هر توافقی یک اصل بنیادین دارد و آن اجرای متقابل. نمی‌شود یک طرف به تعهدات خود عمل کند و طرف دیگر با بمباران و عملیات نظامی، همان توافق را بی‌اعتبار کند. اگر نقض بند اول بدون پاسخ می‌ماند، این تصور شکل می‌گرفت که سایر بندها نیز قابل معامله و قابل زیر پا گذاشتن هستند.

لبنان امروز نمونه روشنی از همین روند است. حزب‌الله لبنان اعلام کرده که پس از ادامه حملات و نقض آتش‌بس، عملیات «عاشورایی دفاع از لبنان» را آغاز می‌کند. این ادبیات نشان می‌دهد که فشار به نقطه‌ای رسیده که مقاومت، ادامه سکوت را هزینه‌زاتر از واکنش می‌داند. وقتی یک طرف دائماً قواعد را تغییر می‌دهد، طرف مقابل نیز ناچار است قواعد جدیدی برای بازدارندگی تعریف کند.

بستن تنگه هرمز از نگاه حامیان این رویکرد، پاسخی برای بازگرداندن هزینه به معادله است. یعنی نشان دادن اینکه امنیت منطقه یک خیابان یک‌طرفه نیست و نمی‌توان از یک سو توافق خواست و از سوی دیگر با حمله و بمباران، همان توافق را نابود کرد.

اگر رژیم صهیونیستی بخواهد همچنان به جولان و بمباران در لبنان ادامه دهد و اگر آمریکا بخواهد اقدامی در پاسخ به این حرکت به حق ایران انجام دهد، نیروهای مسلح برنامه‌های آتی برای پاسخ به آن‌ها را نیز دارد.

این اقدام ایران نشان از قدرت و جدیت کشور در ایستادن مقابل زیاده‌خواهی‌ها و نقض فاحش بندهای تفاهم نامه است که باید این خط حفظ شود و قدم به قدم پاسخ مناسب و دندان‌شکن به بدعهدی‌ها و تجاوزگری‌های طرف مقابل داده شود.



هزینه ۱۳۲ میلیارد دلاری جنگ علیه ایران برای مالیات دهندگان آمریکایی

طبق گزارش موسسه مودیز آنالیتیکس، برای مالیات‌دهندگان و مصرف‌کنندگان آمریکایی، هزینه جنگ حداقل ۱۳۲ میلیارد دلار است. یکی از اقتصاددانان ارشد این موسسه گفت که این رقم شامل هزینه‌های نظامی، افزایش قیمت انرژی و کالاها و نرخ بهره می‌شود. یک مقام ارشد پنتاگون ماه گذشته به کنگره گفت که هزینه برای ارتش آمریکا به حدود ۲۹ میلیارد دلار افزایش یافته است. این برآورد شامل هزینه تعمیر حدود ۱۲ پایگاه آمریکایی در منطقه که در اثر حملات ایران آسیب دیده‌اند، نمی‌شود.

هزینه‌های تعمیر و نگهداری و همچنین نگه داشتن گروه‌های ضربت ناو هواپیمابر در دریا، نیز باید در نظر گرفته شود. «لیندا بیلمز» متخصص امور مالی عمومی و مدرس ارشد دانشکده هاروارد کندی، گفت: «صرفاً نگه داشتن همه این تجهیزات مستقر در آنجا هزینه زیادی دارد. هزینه‌های جایگزینی تعداد زیادی مهمات که ارتش ایالات متحده هزینه کرده است، بسیار بیشتر از هزینه‌های اولیه خرید خواهد بود.» ایران همچنین به سایر دارایی‌های ایالات متحده در منطقه، از جمله یک آواکس ارزشمند آمریکا در باند فرودگاه عربستان سعودی و مجتمع سفارت ایالات متحده در ریاض، آسیب جدی وارد کرد. براساس گزارش ردیاب هزینه‌های انرژی جنگ علیه ایران از دانشگاه براون، آمریکایی‌ها از زمان شروع این درگیری، به دلیل افزایش قیمت‌ها، تقریباً ۶۰ میلیارد دلار بیشتر برای بنزین و گازوئیل پرداخت کرده‌اند. این مبلغ حدود ۴۶۰ دلار اضافی برای هر خانوار است. این رقم همچنان در حال افزایش است.

تحقیر کشورهای دیگر، آمریکا را منزوی‌تر می‌کند

دیوانه در اتاق بیضی

اشتباهات کاراکنتری مثل ترامپ گاهی می‌تواند چنان زیاد شود که از شمار فراروند؛ یکی از آن‌ها می‌تواند سوء محاسبه او مبنی بر توان اجماع‌ساز میهن‌دوستی در کشورها است؛ چیزی که او در تمام دور دوم ریاست جمهوری‌اش نادیده گرفت و ریشه بسیاری از مشکلات در سیاست خارجی آمریکا شد. پولیتیکو در گزارشی به این مسئله می‌پردازد.

انجامد، قیمت انرژی را به شدت بالا برد و شیره اقتصاد جهانی را کشید. برای هیچ رهبر ملی‌گرایی نباید جای تعجب داشته باشد که نظامیان و سیاستمداران ایران، ماه‌ها بمباران آمریکا را به تسلیم شدن سریع ترجیح دادند.»

به باور پولیتیکو، دلیل این رفتارهای ترامپ آن است که تصور می‌کند یک امپراتور است که می‌تواند با ایم تویییت زدن قطعنامه‌های سازمان ملل را زیر و رو کند و هر بلایی می‌خواهد حتی بر سر متحدانش بیاورد «ترامپ شروع به محو کردن مرز میان دو دیدگاه کرده است: از یک سو، سیاست راست‌گرایانه‌ای که بر ارجحیت هویت ملی بر نهادهای بین‌المللی پافشاری می‌کند، و از سوی دیگر، یک نسخه کاملاً آمریکایی که می‌خواهد قطعنامه‌های سازمان ملل را با فرمان‌هایی از شبکه اجتماعی «تروث سوشال» جایگزین کند. تحسین‌کنندگان گاه‌وبی‌گاه او نیز متوجه این موضوع شده‌اند. «جردن باردلا»، نامزد احتمالی ریاست جمهوری از حزب راست‌گرای افراطی «اجتماع ملی» فرانسه، از این موضوع ابراز تاسف کرد که ترامپ دوره دوم با نسخه دوره اول خود تفاوت بسیار زیادی دارد. باردلا گفت که این روزها ایالات متحده بیشتر شبیه به یک «امپراتوری» رفتار می‌کند. او افزود که خود ترامپ نیز «به شدت بی‌ثبات و دائماً در حال تغییر موضع» است.

به باور پولیتیکو، این دست‌وپازدن‌های امپریالیستی آمریکا، در نهایت به آن نقطه ختم خواهد شد که رای‌دهندگان به سرعتی کسی را جایگزین ترامپ کنند که این وضعیت را قدری سامان بخشد و ناسیونالیسم آمریکایی را از نو معنا کند «آمریکایی‌ها به زودی برای یافتن نسخه‌ای جدید از ناسیونالیسم ایالات متحده، به جانشینان احتمالی ترامپ در هر دو حزب چشم خواهند دوخت».

جاستین ترو دو کرد، همسایه آمریکا را آن قدر نترساند که به تسلیم و کرنش وادارد. بلکه این اقدامات، موجی از واکنش‌های میهن‌پرستانه را برانگیخت و به روی کار آمدن نخست‌وزیر جدیدی به نام «مارک کارنی» انجامید؛ کسی که منادی مقاومت یک قدرت میانی در برابر سلطه اقتصادی آمریکا است.

این اشتباه بار دیگر در اوکراین هم تکرار شد «در اوکراین، تلاش ترامپ برای سوق دادن این کشور به سوی یک توافق صلح شکننده آن هم در حالی که ولادیمیر زلنسکی را در دفتر بیضی شکل تحقیر می‌کرد و برای تصاحب سهمی از ثروت‌های معدنی اوکراین جنگ و دندان نشان می‌داد، چنان توهینی به حاکمیت ملی اوکراین بود که زلنسکی، حتی در متزلزل‌ترین و ضعیف‌ترین جایگاه سیاسی خود، به دلیل رد کردن آن شروط با هیچ پیامدی مواجه نشد. تلاش‌ها برای مداخله در تصمیمات قضایی برزیل، به دست گرفتن کنترل پایگاه‌های هوایی بریتانیا و اسپانیا، و دیکته کردن استراتژی نظامی به اسرائیل نیز سرنوشت بهتری نداشته‌اند. اعزام جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، برای فعالیت انتخاباتی در مجارستان نیز نتوانست ویکتور اوربان را از یک شکست سنگین و قاطع نجات دهد». بدترین اشتباه ترامپ تا کنون کجا بود؟ به باور متن ایران «شاید آسیب‌زننده‌ترین مسئله برای ترامپ، این انتظار او بود که می‌تواند سران حکومت ایران را حذف کند، با بمباران و بدون وارد کردن نیروی زمینی، کشور را به تسلیم وادارد و یک نیروی نیابتی مطیع را بر سر کار بیاورد. انتظاری که به یک بن‌بست چندماهه



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

قمارباز در
بن‌بست

شاید آسیب‌زننده‌ترین مسئله برای ترامپ، این انتظار او بود که می‌تواند سران حکومت ایران را حذف کند، با بمباران و بدون وارد کردن نیروی زمینی، کشور را به تسلیم وادارد و یک نیابتی مطیع را بر سر کار بیاورد. انتظاری که به یک بن‌بست چندماهه انجامید، قیمت انرژی را به شدت بالا برد و شیره اقتصاد جهانی را کشید.

یادداشت

تکرار منطق برجام؛
باج بده تا نزنند!امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

برجام فقط یک توافق هسته‌ای نبود؛ یک مکتب فکری بود. مکتبی که براین گزاره استوار شده بود که اگر جمهوری اسلامی بخشی از حقوق، توانمندی‌ها و دستاوردهای خود را واگذار کند، طرف آمریکایی نیز دست از فشار برمی‌دارد و مسیر عادی‌سازی روابط هموار می‌شود. آن روز نام این نسخه را «تعامل سازنده»، «عقلانیت» و «برد-برد» گذاشتند؛ اما حاصل کار، نه رفع تحریم‌ها بود و نه پایان خصومت آمریکا. امروز با مرور بندهای منتشرشده از تفاهم جدید میان ایران و آمریکا، به دشواری می‌توان انکار کرد که همان منطق در قالبی تازه بازگشته است. هدف اصلی توافق، «ختم جنگ» معرفی می‌شود؛ اما متن موجود بیش از آنکه از پایان یک منازعه سخن بگوید، به یک آتش‌بس موقت ۳۰ تا ۶۰ روزه شباهت دارد که قرار است در ازای وعده‌های آینده درباره برنامه هسته‌ای کشور و توانمندی‌های مرتبط با آن حاصل شود. در کنار آن، بازگشایی تنگه هرمز نیز به عنوان تعهدی عملی و نقد مطرح شده، حال آنکه بخش عمده تعهدات طرف مقابل در قالب «باید»‌هایی تنظیم شده که حتی پیش از امضای مقامات آمریکایی نسبت به آنها موضعی متفاوت اتخاذ کرده‌اند.

این صحنه آشناست. در دوران برجام نیز دیپلمات‌های ایرانی از یک توافق سخن می‌گفتند و کاخ سفید از توافقی دیگر، آمریکایی‌ها «فکت‌شیت» منتشر می‌کردند، تفسیر خود را مبنای قرار می‌دادند و همان را اجرامی کردند؛ در حالی که طرف ایرانی غالباً در برابر این تحریف‌ها و بدعهدی‌ها واکنش مؤثری نشان نمی‌داد. نتیجه نیز روشن بود؛ تعهدات ایران نقد پرداخت شد و وعده‌های آمریکا نسیه باقی ماند. ریشه این رویکرد را باید در همان نگاه قدیمی جست‌وجو کرد؛ نگاهی که کشور را در وضعیت استیصال تصویر می‌کند و راه نجات را تنها در جلب رضایت واشنگتن می‌بیند. وقتی چنین فرضی پذیرفته شود، طبیعی است که امتیاز دادن به آمریکا به عنوان «شجاعت سیاسی» و «عقلانیت» معرفی شود. اما واقعیت این است که نام باج‌دهی را هرچه بگذاریم، ماهیت آن تغییر نمی‌کند.

در پروژه نخست یعنی برجام، مهم‌ترین سرمایه‌های هسته‌ای کشور به میز معامله برده شد؛ از نابودی مهم‌ترین ابزار ایران و مهم‌ترین نگرانی غرب یعنی راکتور آب سنگین اراک با توانایی تولید پلوتونیوم و نابودی هزاران سانتریفیوژ و ده تن اورانیوم تا محدودسازی فعالیت‌ها و پذیرش گسترده‌ترین سطح نظارت‌ها. محصول آن تجربه نیز چیزی جز تداوم تحریم‌ها و افزایش فشارها و در پایان جنگ تمام عیار نبود. اکنون اما دامنه امتیازدهی احتمالی از پرونده هسته‌ای فراتر رفته و به مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران رسیده است؛ از جایگاه پیروزمندان ایران در تنگه هرمز گرفته تا معادلات امنیتی منطقه و ظرفیت‌های بازدارندگی که طی دهه‌ها با هزینه‌های سنگین ایجاد شده‌اند. اشتباه اصلی آنجاست که تصور می‌شود با عقب‌نشینی می‌توان تهدید را از بین برد. حال آنکه اگر قرار باشد هر تهدید تازه با امتیازی جدید پاسخ داده شود، این زنجیره تا نقطه‌ای ادامه خواهد یافت که دیگر چیزی از استقلال و قدرت ملی باقی نماند.

فرصت تنفس یک
طرفه به دشمن
آمریکایی

سه تعهد فوری
واشنگتن شامل
تعطیل تحریم‌های
نفتی، آزادسازی
واقعی دارایی‌های
بلوکه‌شده ایران و
توقف جنگ رژیم
صهیونیستی علیه
لبنان، اکنون به
معیار سنجش
صداقت آمریکا
تبدیل شده است.
عدم اجرای این
تعهدات، همراه
با تداوم حملات
اسرائیل و ایهام در
موضوع دارایی‌های
ایران، این پرسش
را پیش روی افکار
عمومی قرار داده
که آیا واشنگتن
به دنبال تعامل
است یا مذاکره را
صرفاً فرصتی برای
خرید زمان و عبور از
بحران‌های راهبردی
خود می‌داند؟

امضا شده، مذاکرات صرفاً پس از پایان جنگ در لبنان، آزادی دارایی‌های بلوکه شده ایران و اعلام معافیت تحریم‌های نفتی، بانکی و بیمه‌ای می‌تواند آغاز شود. مذاکره‌کنندگان ایرانی حتی در حراست از تفاهمی که خود اجرای آن را تضمین کرده‌اند عاجزند.



دارایی‌های ملت ایران به کارت اعتباری تحت نظارت واشنگتن، نه آزادسازی منابع بلکه شکل جدیدی از مصادره آنهاست.

بند اول تفاهم زیر آوار بمب‌های آمریکایی

اما شاید آشکارترین نشانه بی‌اعتباری تعهدات طرف مقابل را بتوان در موضوع لبنان مشاهده کرد. قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در بیانیه شامگاه ۲۶ خرداد اعلام کرد رژیم صهیونیستی تنها طی دو روز پس از اعلام پایان جنگ توسط رئیس‌جمهور آمریکا، ۸۴ بار آتش‌بس را نقض کرده است. تنها صبح شنبه ۳۰ خرداد نیز منطقه نبطیه و جنوب لبنان در بازه‌ای حدود ۱۲۰ دقیقه، ۲۷ بار هدف حملات رژیم صهیونیستی قرار گرفت. اگر قرار بود پایان جنگ لبنان یکی از نخستین نشانه‌های حسن نیت آمریکا باشد، این نشانه عملاً در همان روزهای نخست زیر آوار بمب‌های اسرائیلی دفن شد.

علاوه بر این ماده ۱۳ تفاهم‌نامه به صراحت تأکید می‌کند که آغاز مذاکرات درباره توافق نهایی منوط به دریافت تضمین‌هایی درباره اجرای مواد ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱ است؛ موادی که از جمله شامل توقف کامل حملات و اشغال‌گری رژیم صهیونیستی به لبنان، صدور معافیت‌های نفتی و آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران می‌شود. با این حال در شرایطی که نه جنگ لبنان متوقف شده، نه معافیت‌های نفتی صادر شده و نه دسترسی کامل ایران به منابع مالی خود محقق شده است، به منابع مالی خود محقق شده است، مذاکره‌کنندگان ایرانی سراسیمه خود را به سوئیس رسانده‌اند. هرچند سخنگوی وزارت امور خارجه تأکید کرده این سفر به معنای آغاز مرحله دوم مذاکرات نیست و با هدف مطالبه‌گری و پیگیری اجرای تعهدات طرف مقابل انجام می‌شود، اما واقعیت آن است که افکار عمومی حق دارد بپرسد وقتی شروط مقرر در ماده ۱۳ هنوز محقق نشده، اساساً مبنای برگزاری این نشست‌ها چیست و طرف آمریکایی چه هزینه‌ای بابت بدعهدی آشکار خود پرداخته است؟

در حوزه تحریم‌های نفتی، تاکنون هیچ معافیت تحریمی از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا صادر نشده است. نه مجوزی منتشر شده، نه دستورالعملی ابلاغ شده و نه نشانه‌ای از آغاز اجرای تعهدات دیده می‌شود. حتی اگر چنین معافیت‌هایی در روزهای آینده صادر شود، تجربه تاریخی نشان می‌دهد هیچ تضمینی برای تمدید آنها یا پایبندی دولت آمریکا به استمرار اجرای آنها وجود ندارد. همان امضایی که امروز پای معافیت قرار گیرد، می‌تواند فردا با یک دستور اجرایی دیگر لغو شود.

الگوی مرکبار نفت در برابر غذا و دارو

در حوزه آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده نیز وضعیت نگران‌کننده‌تر به نظر می‌رسد. برخلاف تصریح ماده ۱۱ مبنی بر دسترسی کامل ایران به وجوه خود، آنچه از رسانه‌های آمریکایی و اظهارات مقامات دولت ترامپ شنیده می‌شود، حکایت از طراحی الگویی خطرناک دارد؛ الگویی که یادآور فرمول مشهور «نفت در برابر غذا و دارو» است.

براساس گزارش وال استریت ژورنال، آمریکا و قطر در حال بررسی مکانیزمی هستند که براساس آن حدود ۶ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در قطر آزاد شود؛ اما نه به شکل دسترسی مستقیم ایران به منابع مالی خود. بنابر گزارش وال استریت ژورنال «در این مدل، پول به حساب ایران منتقل نمی‌شود بلکه قطر به عنوان واسطه، پرداخت هزینه غذا، دارو و برخی کالاهای به اصطلاح بشردوستانه را انجام می‌دهد و تمامی تراکنش‌ها نیز تحت نظارت شدید آمریکا خواهد بود.»

ماده ۱۱ تفاهم از «دسترسی کامل» سخن می‌گوید اما واشنگتن از «دسترسی کنترل‌شده» حرف می‌زند. تفاوت این دو، تفاوت استقلال اقتصادی با قیومیت مالی است. تجربه عراق در دو دهه گذشته نشان داد که فرمول نفت در برابر غذا چگونه می‌تواند درآمدهای یک کشور را به اهرم نفوذ سیاسی آمریکا تبدیل کند. تبدیل

چک بی‌محل تفاهم

بعد از گذشت چند روز از تفاهم بین دونالد ترامپ و مسعود پزشکیان همچنان آمریکا هیچ کدام از تعهدات خود را انجام نداده است. با این حال تیم مذاکره‌کننده ایرانی سراسیمه خود را به سوئیس رسانده است تا با دشمن آمریکایی پای میز مذاکره بنشیند. این درحالی است که طبق بنده ۱۳ تفاهم

محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله‌عزیز مجتبی خامنه‌ای در پیام خود به مناسبت تفاهم میان ایران و آمریکا تصریح کردند که اجازه این مسیر بر اساس تعهد رئیس‌جمهور و اعضای شورای عالی امنیت ملی در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت صادر شده است. اما مهم‌ترین بخش این پیام آنجاست که رهبر انقلاب اعلام کردند: «از این لحظه، ما یعنی شما ملت سرافراز و این خادم ناچیز، منتظر تحقق شروط گفته شده خواهیم بود.» این عبارت کوتاه در واقع یک نقشه راه سیاسی است. به بیان دیگر، معیار کارآمدی تفاهم نه در روایت‌های رسانه‌ای بلکه در اجرای شروطی است که ایران مطرح کرده است. بنابراین پیش از هر بحثی درباره ادامه مذاکرات، باید بررسی کرد که واشنگتن در نخستین گام چه میزان به تعهدات فوری خود عمل کرده است. در عین حال خبر سفر هیات ایرانی و آمریکایی به سوئیس برای شروع مذاکرات، سوالات زیادی را درباره پایبندی تیم مذاکره‌کننده بر عهدی که به رهبر انقلاب و ملت ایران درباره تحقق شروط داده بودند ایجاد کرده است.

براساس ماده ۱۰ این تفاهم‌نامه، ایالات متحده موظف بوده بلافاصله پس از امضای یادداشت تفاهم، معافیت‌های لازم برای صادرات نفت خام ایران، محصولات پتروشیمی و تمامی خدمات مرتبط از جمله بانکداری، بیمه و حمل‌ونقل را صادر کند. ماده ۱۱ نیز دولت آمریکا را مکلف کرده دارایی‌ها و وجوه مسدودشده ایران را آزاد کرده و به طور کامل در دسترس جمهوری اسلامی قرار دهد. افزون بر این، یکی از مهم‌ترین محورهای اعلام‌شده تفاهم در بند اول، پایان جنگ رژیم صهیونیستی علیه لبنان بود. اما اکنون چند روز پس از امضای تفاهم، سؤال ساده‌ای پیش روی افکار عمومی قرار دارد؛ کدام یک از این تعهدات اجرا شده است؟

نصرت الهی

در عصر تحولات بزرگ

مهدی سلیمانی
روزنامه‌نگار

در روزگاری که جهان اسلام در طوفان تحولات راهبردی و جنگ‌های وجودی نظیر وقایع غزه، لبنان و ایران قرار دارد، نیاز به چراغی روشن برای فهم مسیر پیش‌رو بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. کتاب فتح بی پایان اثر حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی که توسط نشر معارف منتشر شده، تلاشی هوشمندانه برای بازخوانی این نقشه راه و حیاتی است. این اثر تفسیری از سوره مبارکه فتح است که در پیوند مستقیم با مسائل جاری جبهه مقاومت و سرنوشت امت اسلامی تدوین شده است.

آنچه این کتاب را از تفاسیر معمول متمایز می‌کند رویکرد کاربردی‌سازی آیات برای انسان امروز است. کتاب با اشاره‌ای دقیق به توصیه راهبردی رهبر شهید انقلاب مبنی بر قرائت سوره فتح، دعای توسل و دعای چهاردهم صحیفه سجاده به آغاز می‌شود. نویسنده تلاش کرده نشان دهد که چگونه می‌توان سلاح دعا را به عنوان پشتوانه‌ای معنوی برای تحقق وعده‌های الهی به کار گرفت. فتح بی پایان به مخاطب می‌آموزد که سوره فتح تنها روایت یک واقعه تاریخی نیست، بلکه منشوری برای شناخت سنت‌های الهی در نصرت، صبر راهبردی و اتمام حجت است.

حجت الاسلام عابدینی در بخش‌های مختلف مفاهیمی چون جنگ شناختی، روح جمعی و عهد ایمانی را با ظرافت از دل آیات استخراج کرده و تبیین می‌کند که چگونه جبهه حق می‌تواند در میانه نبردهای سخت و نرم، روایتگری فاتحانه داشته باشد. از منظر این کتاب هر رخدادهای امروز حلقه‌ای از زنجیره‌ای تاریخی است که از بیعت‌های دوران پیامبر(ص) آغاز شده و تا همراهی با ولی الهی در صراط مستقیم امروز امتداد دارد. خواننده در این اثر با سیمای جامعه ایمانی مطلوب آشنا شده و درمی‌یابد که چگونه می‌توان راه درست را تشخیص داد و در برابر دشواری‌ها به سکینه و آرامش قلبی دست یافت.

فتح بی پایان کتابی است که مرزهای میان دانش و عمل را کمرنگ کرده و به چالش‌های ذهنی مخاطبان پاسخ می‌دهد. این اثر خواننده را از انفعال و ناامیدی به سوی بصیرت و کنشگری مسئولانه سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد مطالعه این کتاب از باب تأکید رهبر شهید انقلاب بر قرائت سوره فتح و آشنایی با معارف و مفاهیم این سوره ضروری است.

سالن‌های پر، پاسخ مردم به روایت‌های تخریبی علیه تیم ملی ایران

فوتبال ملی به کمک سینمای ملی آمد!

در روزگاری که افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری در معرض روایت‌سازی‌های رسانه‌ای قرار دارد، گاهی یک اتفاق ظاهراً ساده مثل تکمیل ظرفیت چند سالن سینما می‌تواند به ابزاری برای سنجش فاصله میان روایت‌های



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

در روزگاری که افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری در معرض روایت‌سازی‌های رسانه‌ای قرار دارد، گاهی یک اتفاق ظاهراً ساده مثل تکمیل ظرفیت چند سالن سینما می‌تواند به ابزاری برای سنجش فاصله میان روایت‌های تبلیغاتی و واقعیت اجتماعی تبدیل شود. پس از عدم استقبال مردم از تماشای بازی ایران و نیوزلند، استقبال از پیش‌فروش بلیت اکران دیدار تیم ملی ایران و بلژیک در سالن‌های سینما ورق را برگرداند.

در ماه‌های گذشته، برخی رسانه‌های معاند و حتی بخشی از رسانه‌های داخلی با برجسته‌سازی حواشی، اختلافات و ساختن دوگانه‌های سیاسی پیرامون تیم ملی، تلاش کرده بودند تصویری از افول محبوبیت آن ارائه دهند و به نوعی بین مردم و تیم ملی فوتبال ایران فاصله بیندازند. تصویری که بر اساس آن، مسابقات تیم ملی دیگر توان ایجاد همبستگی جمعی گذشته را ندارد و با بی‌اعتنایی مخاطبان مواجه شده و اساساً مردم دیگر این تیم را ملی نمی‌دانند. با این حال، واقعیت رفتاری جامعه در مواجهه با اکران سینمایی مسابقات ایران در جام جهانی، نسبتی با آن تصویرسازی‌ها ندارد و عملاً آن روایت را به چالش می‌کشد.

سینما حالا به میدان بازنمایی یک کنش اجتماعی تبدیل شده است؛ جایی که تماشای یک مسابقه ورزشی از حالت فردی خارج شده و به تجربه‌ای جمعی در فضای عمومی بدل می‌شود. براساس آمارهای منتشرشده، بیش از ۴۰۰ پردیس و سالن سینمایی در تهران سانس ساعت ۲۲:۳۰ یکشنبه را به پخش دیدار حساس ایران و بلژیک اختصاص داده‌اند و بلیت‌ها با قیمت‌های ۹۰ تا ۱۸۰ هزار تومان عرضه شده‌اند؛ با این وجود، برخی سالن‌ها در مدت کوتاهی پس از آغاز پیش‌فروش با تکمیل ظرفیت مواجه شده‌اند. در شهرهایی مانند مشهد و شیراز نیز همین الگوی

استقبال گزارش شده است. این استقبال حتی در برخی پردیس‌های حاشیه‌ای و کمتر مرکزی نیز دیده شده و نشان می‌دهد موج مخاطب صرفاً محدود به نقاط خاص شهری نبوده است.

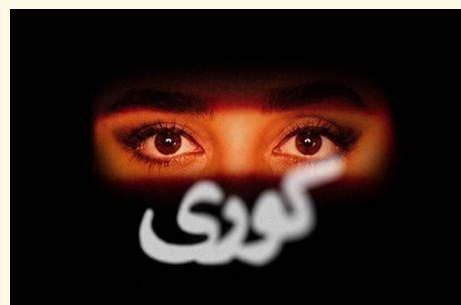
اهمیت این وضعیت زمانی برجسته‌تر می‌شود که هم‌زمانی آن با ایام آغازین ماه محرم و کاهش طبیعی تنوع اکران‌های سینمایی و عدم اکران فیلم‌های کم‌دی نیز در نظر گرفته شود؛ دوره‌ای که معمولاً با افت نسبی مخاطب در گیشه همراه است. با این حال، فوتبال ملی در چنین فضایی توانسته بار دیگر سالن‌های سینما را به نقطه تجمع مخاطبان تبدیل کند و نشان دهد که ظرفیت تجربه جمعی در قالب‌های غیرسنتی همچنان فعال است، حتی در شرایطی که بسیاری از محتواهای سرگرمی در حالت تعلیق یا کاهش عرضه قرار دارند.

در سوی دیگر، این استقبال رانمی‌توان صرفاً به عنوان یک موفقیت اقتصادی برای سینماداران تحلیل کرد. آنچه رخ داده، در واقع نوعی پاسخ عملی به روایت‌هایی است که تلاش داشتند جایگاه اجتماعی تیم ملی را تضعیف شده نشان دهند. انتخاب مردم برای خرید بلیت و حضور در سالن، در حالی که امکان تماشای رایگان و ساده در فضای خانگی وجود دارد، بیش از آنکه یک تصمیم مصرفی باشد، حامل معنایی اجتماعی و فرهنگی است؛ نشانه‌ای از استمرار پیوند عاطفی با تیم ملی و تمایل به تجربه هم‌زمان یک رویداد در جمع.

در نهایت، آنچه از دل این تجربه قابل استخراج است، این است که سرمایه اجتماعی تیم ملی رانمی‌توان در چارچوب روایت‌های رسانه‌ای یا تیتراهای جهت‌دار اندازه‌گیری کرد. معیار واقعی همچنان رفتار مخاطب است؛ و این رفتار نشان می‌دهد که فوتبال ملی، حتی در قالب نمایش سینمایی، همچنان توان گرد هم آوردن مخاطبان و بازتولید تجربه جمعی را دارد، تجربه‌ای که فراتر از نتیجه یک مسابقه، به احساس تعلق و همبستگی اجتماعی گره خورده است.

ساترا، این روایت را رد کرده و گفته است «(کوری) توقیف نشده که بخواهد رفع توقیف شود. به گفته او، این مجموعه اساساً مجوز تولید نداشته و اکنون در حال طی کردن روند دریافت مجوز با همکاری ساتراست. او همچنین فاش کرده که دو نهاد بیرونی نسبت به محتوای سریال ملاحظات داشته‌اند و این موارد برای اعمال اصلاحات به ساترا منتقل شده است.

اظهارات جدید ساترا، پرونده «(کوری)» را در امتداد مناقشات اخیر این نهاد با برخی تولیدات شبکه نمایش خانگی قرار می‌دهد؛ جایی که مسئله اصلی نه «(توقیف)» که نداشتن مجوزهای لازم در مراحل تولید و انتشار عنوان می‌شود. «(کوری)» برای چندمین بار ثابت کرد که سازکارهای نظارتی نمایش خانگی بسیار ناکارآمد و قابل دور زدن است.



هفته گذشته و تنها ساعاتی مانده به آغاز پخش، سریال «(کوری)» از جدول انتشار خارج شد و گمانه‌زنی‌ها درباره توقیف آن بالا گرفت. اکنون عباس سیاح‌طاهری، معاون

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌پهلو قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L

یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۶۹

یادداشت

پهلوی دیگر دشمن نیست؟

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

جمهوری اسلامی وقتی در میان عوام و خواص نمود پیدا می‌کند که قائل به حکمرانی در تمام وجوه و جوانب باشد. نمی‌شود قائل به پاسخگویی نظامی به آمریکا بود، اما در داخل نسبت به بدعت‌ها و کج‌روی‌ها سکوت کرد! فرهنگ مقاومت خود به خود، در خلأ انتزاعی زاده نمی‌شود و بدون هیچ اما و اگر باید آرایش نظامی گرفت و روی بدعت و استحاله خط قرمز کشید. پهلوی شرم‌مطلق بود و توسط سربازان امام روح‌الله‌رنگون شد و به زباله‌دان تاریخ پیوست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ موجی از فیلم‌فارسی‌سازها به روایت آنچه از ماجرای انقلاب درک می‌کردند، پرداختند و در این میان کمتر اثروسریالی توانست گنه این واقعه را مورد واکاوی دقیق ارائه دهد. هرچه از دوران پیروزی انقلاب فاصله گرفتیم اهمیت قضیه در برابر سینماگران کم و کم‌تر شد، تا جایی که برای روایت شبکه‌های سلطنت طلب نظیر من‌وتو تعدادی از رسانه‌های لس‌آنجلسی باز شود. همین مسئله هم اثرش را بر روی طیفی از بچه‌های نسل جدید گذاشت.

بخشی از نسل جوان و طبقه متوسط شهری بدون آن که لزوماً آن دوره را درک کرده باشند، همواره نگاهی نوستالژیک یا مثبت به دوره پهلوی داشتند و مستعد پذیرش روایت‌های من‌وتویی بودند. از سوی دیگر، جریان ناآگاه ایران‌شهری هم چه به صورت سهوی و چه به شکل عمدی به روایت‌های دروغین و روپاردازانه از دوران گذشته دامن زد تا پخش سریالی همچون «تاسیان» با وجود ضعف ساختاری و تکنیکی مورد قبول طیفی از جامعه هدف قرار بگیرد.

در خارج از ایران، مستندها و فیلم‌هایی درباره دوره پهلوی ساخته می‌شود (مانند مستندهای بی‌بی‌سی فارسی یا شبکه‌های ماهواره‌ای)، اما این آثار معمولاً بودجه سینمایی ندارند و بیشتر از رویکرد ژورنالیستی یا تبلیغاتی بهره می‌برند. سینمای بدنه ایران همچنان از ورود مستقیم به این حوزه خودداری می‌کند و ترجیح می‌دهد تاریخ معاصر را از طریق استعاره، نماد و روایت‌های شخصی بازگو کند. به همین دلیل است که صنعت نحیف سرگرمی در کشور ما چندان روی خوشی به نقد پهلوی نشان نمی‌دهد، چون فکر می‌کند در این صورت از دایره علاقه مخاطب جامی‌ماند و به دور ریخته می‌شود. بخشی از عدم علاقه به سریال کلاغ هم به همین امر بازمی‌گردد.